

جلوهای از اعجاز قرآن

— سطور تاریخ عرب و سرگذشت روحيات و معنویات آن پیش از
 نابیدن اختر اسلام نکاتی دهشت انگیز دربر دارد. کمتر کسی است که از
 آنهمه تیرگیهای جهان توحش جزیره العرب چیزی نخوانده و نشنیده باشد.
 زنده بگور کردن دختران، بزنجیر کشیدن ابناء آدمی بنام برده و
 غلام، بت پرستی، جهل، شهوت، دزدی و تباہکاری، ستیز و خود پرستی
 اینها و همه آنچه که خوی اهریمنی است باشدتی هرچه تمامتر بر آن جایگاه
 مرگبار حکومت میکرد.. موهوم تر آنکه اینهمه ناراستی و سیه کرداری
 را در لفافه واژه و لغت زیبا و دوست داشتنی جلوه میدادند. آنانکه در
 پنهان کردن حقیقت و پیرایش زشتیها توانائی بیشتری داشتند در برابر خیل
 کوردلان شبکوهی خدائی یافته بودند. پیدا بود که انبوه واژه های درشت
 و سخت آنان جز مفاهیم کهنه و مبتدلی در بر نداشت. ادب و فرهنگ جز
 رقص الفاظ و ابتدال معانی دارای حقیقتی دیگر نبود.

ایده آل طلائی نویسنده گان و کویندگان از دایره شهوت، کین و ستیز،
 حماسه سرائی، برتری موهوم نژادی و نسبی فراتر نبود. گروه تیره اندیش
 عرب در برابر مملقات سبعه با همان گفتار درشت و فریبنده ای که در بتخانه
 کعبه پایه ای بلند یافته بود، زانوی عجز بزمین میزد و آنها را مظهر قدرت
 و آخرین پایه سخن می انگاشت!

اینک با اندکی اندیشه و بررسی در چگونگی آویزه های هفتگانه
 خوب میتوان گفت که:

از خلال سراسر آن نوشته های گزیده جز شهوت، خود فروشی، عشق

مجاز ، تاریک اندیشی نکته دیگری بنظر نمیآید .
از امید و زندگی ، از دانش و تقوی ، از آرمان خلاق ستم کشیده
هیچ در آنها نمیتوان یافت . حتی نقطه‌ای هم از منافع توده های رنج دیده
اجتماع در آنها نیست .

درست در چنین هنگامه های مرگ و تیرگی بود که بناگهان بر توی از
از اسرار ازلیت بر آن مدفن دهشتناک تابیدن گرفت و پیامبری با فروجه
و بلند پایه قدر برافراشت و گفتاری از جانب یزدان توانا بنام قرآن بر خلق
نیمه جان فروخواند و ندای آسمانی حق را سرداد .

زنك های بيدار باش بر توده های بينوا بصداء در آمد . از فروغ
بر تو افشان ره - اننده بشریت گورستان جهل روشن شد . کاخهای فریبندگان
عرام از سر واژگون گردید ...

رهبران توانای سخن ، پیشتازان فرهنگ کهنه و نو ، نوابع ادب ،
خدایان واژه های طلائی همه و همه در برابر گفتار آفریدگار هستی سر
تعظیم بخاک زبونی سودند : آخر مگر نه اعجاز خداوندی ماوراء تاب و
توان بشریت است ؟؟ کتاب سترک آسمانی راه انسانیت را آنطور آشکارا
نمایاند که در اندک زمانی گروه بی سرو پای عرب بر چم افتخار و پیروزی
خود را تا کرانه های دریای روم برافراشت :

شعور انقلابی شگفتی را که قرآن در گروه بیدانش بوجود آورد تکی
بر پایه رنسانس و تحول ادبی آن بود :

در جریان این تحول فرهنگی خدائی سه نکته آشکار و عیان است .

۱ - نمود حقایق و بیان روشن و آشکار آن برای رهبری خلق

« آیات محکم »

۲ - علوم معانی و مفاهیم .

۳ - آمیختگی زیبا و دلکش واژه ها بر پایه نمود حقایق .

۱ - در باره نموداری آشکار حقایق بمنظور رهبری خلق ،

آیات فراوان محکمت قرآن پایه مدعای ما است زیرا قدرت خداوندی تنها
در تجلی الفاظ نیست ، بیان معانی و جلوه مطالب محکم آتقدرمعجز آساست
که همگان کهنتر و مهتر از حقیقت آن آگاهی می یابند .

آنجا که ایزد توانا فرستاده خویش را بر جهانیان می شناساند چه
گفتار شیرین و آموزنده ای است :

یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً «احزاب ۴۵ - ۴۶» ای پیامبر ما ترا فرستادیم که بیننده کردار خلق و نوید بخش نیکوکاران و بیم‌دهنده زشتکاران باشی و بفرمان خدا بشردا بسوی او بخوانی و مانند چراغی روشنی بخش بر جهان هستی پرتو افشانی

و یاد در آنجا که آدمی را بر اندیشه و دانش پژوهی بر میانگیزد: افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت والی السماء کیف رفعت والی الجبال کیف نصبت و الی الارض کیف سطحت فذکر انما انت مذکر ، لست علیهم بصیطر «غاشیه ۱۶ - ۲۲» آریا بر شتر نمی نگرند که چسان آفریده شده ؟ و نمی اندیشند که چگونه آسمان بر افراشته شده ؟ کوهها را نمی نگرند که چگونه استوار گردیده و چگونه گسترش زمین را پژوهش نمی کنند ؟ پس ای فرستاده ما حکمت‌های آفریدگار را بیاد خلق آر که تورا جز این کاری نیست و تو بر روان ایشان توانا و مسلط نیستی

۴ - علوم مفاهیم - در سراسر این کتاب شگفت هر جمله حاوی دریایی بیکران از معانی و مفاهیم است ببینید بیان قدرت ایزدی در اینجا چه کرده است :

یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذباباً ولو اجتمعوا لله وان یسلبهم الذباب شیئاً لایستقدوه منه ضعف الطالب والمطلوب «حج ۷۲» .

«ای مردم بدین مثل گوش دارید : آنانکه بجز خدا را میخوانند اگر معبودشان همه گرد آیند بر آفرینش مکس توانائی نخواهند داشت و اگر گس چیزی از آنها بر باید قادر بر باز گرفتن آن نیستند ، طالب و مطلوب هر دو ناچیز و ناتوانند»

راستی کدام کوردلی است که این گفتار دلنشین را بشنود و از زرفای روان خلاق معانی را نستاند !؟

و لقد رآه بالافق المبین «تکویر - ۲۲»

«محمّدص آورنده پیام (امین وحی) را در کرانه‌های آسمان امید و زندگی (افق اعلاّی مشرق) آشکارا دید»
و یاد در آنجا که از صف آهنین و فشرده خداپرستان در راه بیکارو نبرد سخن میگوید :

گنج شایگان ————— جلوه‌ای از ...

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان مرصوص «صف-۳»
یزدان توانا خداپرستان را که در صفتی از خارا بنیاد، برای او بیکار
میکنند، دوست میدارد.

۳- آمیختگی زیبای واژه‌ها بر بنیاد نمود حقایق - در این
باره سخندان گرانمایه شرق کارشهای بسزائی نموده و هر يك از این خوان گرم
توشه‌های گرانی بقدر توانائی خود بدست آورده‌اند. مانیز در زیر نکات
چندی را یاد آور میشویم اگر چه :

آنجا که عقاب پر بریزد از پشه بی هنر چه خیزد ؟
لیک : ان الهدا یا علی قدر مهدیها .

از سخن پر دور نشویم : آنچه از شیوایی و سلاست قرآن میدانیم و
درک میکنیم بستگی بمیزان دانش و اندیشه ما دارد اگر روزی بشر آنطور
تکامل یابد که توانائی خرد و بینش او صدها بار از امروز بیشتر گردد، بدون
شک با ادراک مفاهیم قرآن بدین سادگی و بلاغت مدهوش خواهد گشت در
آن هنگام زبونی و ناتوانی خویشتر را در برابر اعجاز قرآن بهتر و آشکارتر
خواهد فهمید . اکنون نیز آنانکه در راه سخن نبوغ خود را یافته اند به
بیچارگی و عجز فرهنگ خویش معترفند . چه بسیار سخنرانان عالیقدر که
در اندیشه ابداع گفتاری چون قرآن برآمده و پس از بررسی و کوششهای
بسیار شرمگین و سرافکننده راه زبونی سپرده‌اند . چنانکه یکی از یاران
حضرت صادق ع بنام هشام چنین مینویسد :

روزی درمکه چهار نفر از نوابغ فرهنگ و ادب گرد آمدند . این
چهار تن دارای آئینی خلاف قرآن بودند «از دهری‌ها و زندق‌ها»

آنان بترتیب : عبدالکریم ابن ابی العوجا - ابوشاکر میمون دهمان
عبدالله مقفع - عبدالملک بصری نامبرده شده‌اند که میخواستند هر يك کتابی
مانند يك چهارم از قرآن بنویسند و باشیوایی و بیان سحر آسای نوشته‌های
خود گوی پشتمازی بر بایند تا از این رهگذر مهر تابناک ایزدی را گل‌اندود
کنند !! آنان با خود پیمان بستند که یکسال دیگر در همانجا فر آورده‌های
اندیشه و نبوغ خویش را بر یکدیگر عرضه نمایند . یکسال گذشت ... چهار
نویسنده نامی باز بیدار هم شتافتند .

ابن ابی العوجا لب بسخن گشوده گفت در این مدت طولانی يك آیه
سحر آسا از قرآن اندیشه‌ام را پیوسته بخود مشغول میداشت و در ساختن

گنج شایگان ————— جلوه‌ای از ...

جمله‌ای شیوائی و بلاغت آن، تکاور هوشم از تکاپو استاده لوه‌گان فیهما
آلهة الااله انفسد تافسبحان الله رب العرش عما یصفون «انبیاء - ۲۱»
«اگر آسمان و زمین بجز او خدایانی داشت راه بیهودگی می سپرد.
پس آفریدگار هستی از آنچه که بر او میسرایند پاك است» ابوشاکر گفت
در برابر این گفته آنچنان زبون ماندم که مجالی برای کاوش دیگر آیات
قران نیافتم :

یا ایها الناس ضرب مثل فاستموا ...

عبدالله مفتح گفت زورق بادبان گسیخته دانشم در دریای حقیقت این
آیه در هم شکست :

وقیل یا ارض ابلعی مائک و یاسماء اقلعی و غیظ الماع و قضا الامر
واستوت علی الجودی و قیل بعداً للقوم الظالمین «هود - ۴۳»

«بزمین خطاب شد که فوراً آبر را فروبروبه آسمان فرمان داده شد
بارانرا قطع کن ، آب بیک لحظه خشک شد و فرمان (قهر خداوندی) پایان
یافت و کشتی بر کوه جودی نشست و فرمان هلاک ستمکاران در رسید .

عبدالمک بصری گفت این آیه خیره کننده مرا از مقصود باز داشت
فلما استیسوا منه خلصوا نجیاً «یوسف - ۱۹» پس از این کنکاش که
بشرمندگی و زبونی بیراهه پویان پایان یافت ، چگونگی کار این چهارتن
بگوش حضرت صادق علیه السلام رسید .. ایشان در حال فرمودند :

قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یاتوا بمثل هذا القران لایاتون
بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیراً «بنی اسرائیل - ۸» «پیامبر بگو که
اگر آدمیای و پریان برای آوردن گفتاری چون قران گرد آید ، نمیتوانند
مانندش را بیاورند اگرچه گروهی از ایشان پشتیبان گروه دیگر باشند »

و نیز تظامی عروضی در این باره چنین مینویسد :

آورده اند که یکی از اهل اسلام پیش ولید بن المغیره این آیت همی
خواند «وقیل یا ارض ابلعی» .

فقال الولید بن المغیره والله ان علیه لطلاوة وان له لحلاوة وان اعلاه لثمر
وان اسفله لمدنق وما هو قول البشر و هو یعلو ولا یعلی علیه .



چون دشمنان در فصاحت قرآن و اعجاز آن در میادین انصاف بدین
مقام رسیدند دوستان بنگر تا خود بکجا رسند؟ «نقل از چهار مقاله به

گنج شایگان ————— جلوه‌ای از . . .

تلخیص « از آنچه که در بالا گفته شده می‌توان اندیشید که در پنجه اقتدار قرآن و اژه‌ها و کلمات چگونه تجلی نموده است ، اکنون خوب می‌توان گفت مفهوم « انقلاب ادبی » یعنی چه ؟ و « فرهنگ برای توده ها » به چه معنی ؟

با اینهمه جای هیچ‌گونه تعجب نیست که در پرتو این مهر فروزان ، اعراب برهنه و بیابانی انسان در صفوف متراکم گرد آیند که بی‌یکباره کاخهای بیداد و شهوت را از سر و از گون نمایند . جای تعجب نیست با اینهمه دانش زندگی و شعور انقلابی که قرآن بخلاق می‌آموزد ، خداپرستان ستم‌دیده پرده‌های جور را از هم بدرند و تخت و تاج فرمانروایان شهوت پرست را درهم کوبند و در کشورهایی که هزاران سال عریده شاهنشاهان و امپراطوران گوش‌ها را می‌آرزد ، فریاد بر آورده‌اند که :

ان اکر مکم عندالله اتقیکم .

اینست گوشه‌ای از انقلاب ادبی قرآن که مفهوم واقعی تحول فرهنگ را در جهان بشریت تحقق بخشید . اینست تئوری صحیح انقلابی که سازنده اجتماع نو و ابدی می‌باشد .

تنها بیداری خداپرستان هوشمند در مسیر انقلاب ادبی قرآن موجب شکوه و فرو جاہ آنان است .

پژوهندگان حقیقت ! خدایپرستان ! بیدار ! جریان شدید جنگ عقاید کنونی تار و پود اجتماع را در رهگذر تطاول قرار داده است بیدار که آنهمه جنب و جوش رهنان آئین بی‌ثمر نیست ... برخیزید و بریسمان ناگسستن یزدان توانا چنگ بزنید و پراکنده نشوید آنگاه جنبشی حیات بخش آغاز کنید و در پرتو شعله‌های روشنی افزای قرآن راه زندگی را بکوبید و پیش بروید نهر اسید که خدا با ما است و یاری او بسی نزدیک می‌باشد آری :

الا ان نصر الله قریب

مکتب واسطه

چاپ مقاله مکتب واسطه بواسطه دیرساندن بچاپخانه برای این شماره میسر

نگردید :